

بررسی وضعیت شبکه ملی اطلاعات در گفت‌وگو با پژوهشگر فضای مجازی

حکمرانی فضای مجازی را محدود به بحران کرده‌ایم!

در روزهای اخیر و با شدت گرفتن اغتشاشات سامانه‌هی شده و به منظور مدیریت فضا و مقابله با سامانه‌هی مزدوران در این فضا و همچنین تهییج جوانان و نوجوانان از سوی مزدوران و جاسوسان، محدودیت‌هایی در فضای مجازی اعمال شد. محدودیت‌هایی که شاید اگر شبکه ملی اطلاعات و اینترنت ملی به شکلی قوی و بر مبنای اسناد بالادستی همچون اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی کشور شکل گرفته بود، به گونه‌ای که نیازهای ضروری زندگی امروز تأمین می‌شد، شاید اصلانیازی به اتصال به اینترنت جهانی نداشتیم! همچنان که کشورهایی مانند چین و روسیه سال‌هاست بدون اتصال به اینترنت جهانی نیازهای خود را به فناوری اطلاعات تأمین می‌کنند. در کشور ما اما به دلیل عدم توسعه زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی برای به حداقل رساندن اتکالی کشور به کشورهای دیگر در استفاده از فضای مجازی و توابع آن در عرصه‌های فنی مطابق با اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی، در مواقع بحران چاره‌ای جز محدودیت در اینترنت باقی نمی‌ماند. در واقع اینجا هم بار کم کاری دستگاه‌های متولی پر دوش نهادهای امنیتی و نظامی آوار می‌شود! این در حالی است که تجربه نشان داده مردم نسبت به خدماتی که نیازهایشان را برآورده کند، اقبال نشان می‌دهند، اما وقتی یک موتور جست‌وجوگر با قدرت متوسط هم در کشور وجود ندارد، بدیهی است قطع شدن یا محدودیت اینترنت می تواند چالش برانگیز شود. به سراغ دکتر سیدچواد شیخ‌الاسلامی، پژوهشگر فضای مجازی رفته‌ایم تا وضعیت اینترنت ملی یا شبکه ملی اطلاعات را مورد واکاوی قرار دهیم.

■ ■ ■

با عنایت به اینکه طبق فرمایش رهبری به شورای عالی فضای مجازی باید اینترنت ملی و حتی سیستم عامل ملی راه‌اندازی می‌شد، تا چه اندازه در دستیابی به این هدف موفق بوده‌ایم؟

برای بررسی اینکه چقدر این موضوع که جزو وظایف این شورا بود، اجرا شده در شرایط بحرانی دقت بفرمایید که چقدر از نیازهای افراد برطرف می‌شود. مثلاً یکی از الزامات مثبت که ملی اطلاعات با همان اینترنت ملی داشتن موتور جست‌وجو است. حالا سؤال اینجا است واقعاً در زمان قطع‌شدن اینترنت بین‌الملل ما می‌توانیم سایت‌های داخلی را جست‌وجو و نیاز خودی را برطرف کنیم؟ تازه موتورهای جست‌وجو مثل سلام و یوز آن کجا هستند؟ چرا هزینه‌هایی که برای آنها شده امروز بی‌فایده بوده و حتی دیگر اثری از آنها نیست، کسی هست؟ در این خصوص پیگیری کند، این نشان می‌دهد، جایگاه شورای عالی فضای مجازی به جای پر رنگ شدن، دارد بی‌رنگ تر می‌شود. وقتی به آخرین حکم این شورا که توسط امام جامعه در سال ۱۳۹۴ صادر شد، رجوع می‌کنیم،

خانه‌ها همان خانه‌هاست، تلویزیون روشن است و خانواده‌ها کنار هم نشستند، اما چیزی که تغییر کرده، نوجوانانی هستند که کنار پدر و مادرشان هستند، ولی در جهان دیگری سیر می‌کنند، جهانی که در آن مرزها تغییر کرده‌است، سرعت همه کارها بالا رفته و آینده پیش‌رو برایشان مبهم است، یعنی هم آینده را می‌خواهند و هم از آن می‌ترسند!

■ ■ ■

نسل Z، متولدین اواخر دهه ۷۰ و دهه ۸۰ هستند، نسلی که وقتی بی‌ثباتی به یک قاعده تبدیل شده، زندگی را تجربه کردند، از بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی گرفته تا تحولات پرشتاب فناوری و تغییر سبک زندگی. آنها نسلی هستند که «امنیت شغلی» را کمتر درک کرده و بدتر اینکه اضطراب آینده را زودتر از آنچه باید شناخته‌اند.

پژوهش‌های متعددی در رابطه با نسل Z انجام و منتشر شده‌است، پژوهش‌هایی که نشان می‌دهد این نسل، سلی دویاره است، چراکه از یک‌سو نگران فردا هستند، و از سوی دیگر، مطالبه‌گر امروز. نوجوانان و جوانانی که نه می‌خواهند شبیه والدینش زندگی کنند و نه می‌توانند نسبت به جامعه بی‌تفاوت باشند. همین تناقض، آنها را به یکی از پیچیده‌ترین نسل‌ها تبدیل کرده‌است.

■ **دنیای ما با دنیای آنها فرق دارد**

برای بسیاری از خانواده‌ها، مواجهه با نسل Z پیش از آنکه یک بحث نظری باشد، یک تجربه روزمره است. تجربه‌ای که گاه با سرگردمی، گاه با نگرانی و گاه با سکوت همراه می‌شود.

خاتم صناعیان که کم‌کارند است، درباره پسر ۱۷ساله‌اش این‌گونه توضیح می‌دهد: «ما همواره و همیشه فکر می‌کردیم که با تلاش، آینده درست می‌شود، اما او مدام می‌گوید تضمینی وجود ندارد. از آینده می‌ترسد و در عین حال نمی‌خواهد مثل ما زندگی کند. این تفاوتی که در فکر او و فکر ما وجود دارد، برایم غیرقابل درک است.»

آقای حسن‌زاده، پدر یک دختر جوان است و می‌گوید



نپذیرفته و امروز تنها شیعی از شورا باقی مانده و خیلی از دستورات امام جامعه بر زمین مانده است. در حالی که در زمان بحران نیاز به ایسن موضوعات کلان مشهود می‌شود.

آیا می‌توان به درجه‌ای از اینترنت ملی دست یافت که مارا از به اینترنت جهانی بی‌نیاز کند؟ دیگر کشورها چه تجربه‌هایی در این باره دارند؟

این سؤال اساس احساس نیاز بود که به تأسیس شورای عالی فضای مجازی منتج شد، اما فعلاً استقلال حداقلی در فضای مجازی رخ نداده اما کشورهایی مثل چین و روسیه سعی کردند به این موضوع نزدیک شوند و موتور جست‌وجوی ملی، دانشنامه بومی داشته باشند. حتی چین سیستم عامل هامونیک را جایگزین اندروید ارائه کرده‌است، اما تلاش‌هایی که قبلاً به آن نیز اشاره شده مانند رسیدن به یک موتور جست‌وجوی ملی امروز هیچ اثری از آنها نیست!



می‌گردیم و دارایی‌هایی را که داشتیم ایجاد می‌کردیم نیز ناپود کردیم که جای بسی تأسف است!

چه کشورهایی خدمات اینترنت و فضای مجازی خود را بدون وابستگی به اینترنت جهانی و بر بستر اینترنت ملی ارائه می‌دهند؟

روسیه و چین پیشروترین کشورها برای تهیه چنین بستری بوده‌اند و الان چین گوی سبقت را از همه روده‌است و امریکا را به ترس وادار کرده که علاوه بر عدم دسترسی به داده‌های مردم چین، بحث اقتصاد را هم دارد از دست شرکت‌های امریکایی خارج می‌کند.

آیا می‌توان در مواقع حساسی همچون روزهای اخیر از روش دیگری به جز محدودسازی و قطع فضای مجازی بهره گرفت؟

اگر ما سناریوهای پیش‌دستانه داشته‌باشیم و موضوع حکمرانی فضای مجازی را محدود به شرایط بحرانی نبینیم، حتماً راه‌هایی به جز محدودسازی پیش روی ما خواهد بود. اتفاقاً شناسایی و برخورد با اغتشاشگران مجازی راحت‌تر خواهد بود.

چرا بعد از ۱۳ سال از راه‌اندازی شورای عالی فضای مجازی همچنان در اینترنت ملی، زیرساخت‌ها و خدمات‌دهی آن مشکل داریم؟

به نظر من بی‌اهمیت بودن فضای مجازی در همه دولت‌ها



فرزندانشان زودتر از سن شان، بزرگ شده‌اند، زودتر نگران شده‌اند، زودتر سؤال پرسیده و زودتر به نتیجه رسیده‌اند که پاسخ روشن و درستی برای سوآلات‌شان وجود ندارد! چیزی که آنها، خود در سنین نوجوانی و جوانی تجربه‌اش نکرده‌اند.

■ **نتیجه شرایط است**

دکتر تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس، در تحلیل‌های خود درباره نسل Z بارها و بارها بیان کرده که نسل Z را باید در بستر تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران فهمید. او معتقد است این نسل در شرایطی رشد کرده که نااطمینانی به یک وضعیت دائمی تبدیل شده و همین مسئله نگاه انتقادی و پرسشگر آنها را شکل داده‌است. به گفته آزاد ارمکی، نسل Z کمتر به ساختارهای رسمی اعتماد دارد، زیرا تجربه زیسته‌اش پر از تغییر، بحران و ناپایداری بوده‌است. از نگاه او، این بی‌اعتمادی الزاماً نشانه طغیان یا بی‌مسئولیتی نیست، بلکه پدیده‌ایمان زیان‌ مشترک نداریم.»

در ایسن میان، برخی از والدین بر ایسن باورند که

دیده می‌شود و فقط در زمان بحران متوجه اهمیت آن می‌شوند و آن را به عنوان یک تهدید می‌بینند که باید مسدود شود. هیچ‌گاه این فضا را زیستگاه مردم نمی‌بینند که در آن حیات دارند و گاهی وقت‌ها به واقعیت سر می‌زنند! برای فهم بهتر این موضوع خوب است به دور و برمان نگاه کنیم؛ مانند وقتی که در مترو یا اماکن شلوغ یا میهمانی‌ها هستیم، همه دنیایی کف دست خود دارند که در آن حرکت و زندگی می‌کنند و فقط جسم‌هایشان در کنار هم است! این‌مانند حرکت ماشین‌ها در یک جاده است که هر ماشین برای خود دنیایی دارد و فقط در کنار هم هستند، اما همراه نیستند و به هم توجه نمی‌کنند. تازه سعی می‌کنند به هم برخورد نکنند. این همه حضور ماشین‌ها در کنار هم در یک جاده است. آیا دولت‌ها به این فضا توجه می‌کنند و مانند امام جامعه به آن اولویت می‌دهند؟ تا زمانی که چنین اولویتی در ذهن مسؤولان وجود ندارد، ما شاهد هدررفت منابع هستیم که یک چیزی تولید شده بعد نابود می‌شود. واقعا کسی به موضوع فضای مجازی اهمیت نمی‌دهد.

الان بحث هوش مصنوعی در صدر اخبار فضای

مجازی و جزو پیشروترین موضوعات است. چقدر شورانی عالی فضای مجازی به این موضوع پرداخته است؟ اگر بررسی کنید کلاز زیربار این مسئولیت شانه خالی کرده و در مجموعه‌های دیگر دنبال تهیه و تحقق سند هوش مصنوعی هستند! با این مدل هیچ‌گاه

ثمری از وجود نهادی مانند شورای عالی فضای مجازی نخواهیم دید.

تجربه نشان داده که اقبال مردم به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و خدمات آنها مانند هوش مصنوعی یا موتورهای جست‌وجوگر بر مبنای کیفیت خدمت‌رسانی آنهاست. اگر در این زمینه قوی‌باشیم به نظر شما مردم به سراغ نوع وطنی این خدمات نمی‌آیند؟

به نظر من اگر قوی‌باشیم و خدمات با کیفیت داشته‌باشیم، مردم به سمت استفاده از فناوری داخلی خواهیم رفت اما عدم پاسخگویی و پشتیبانی مردم را اعتماد به این مجموعه‌ها دلسرد می‌کند که باید هم به مردم و هم به مسؤولان بگوییم که این موضوع برای کشور حیاتی است، بنابراین مردم صوری و مسؤولان تلاش‌شان را بیشتر کنند.

برای روزهای آینده چگونه می‌توان هم به فضای مجازی متصل شد و هم از آسیب‌های آن در امان ماند، چراکه طبعاً فیک‌نیوزها و برنامه‌ریزی‌های دشمن برای بهره‌گیری از این فضا هم آغاز خواهد شد؟

متأسفانه با ابزارهای کنونی و نبود قانون و عدم برخورد قاطع با افراد اغتشاشگر مجازی این جریان متوقف نخواهد شد و اگر فضای مجازی باز شود مانند سدی است که پشتش پر از محتوا پالایش نشده‌است و اگر به مخاطب برسد، او را لوده می‌کند و جو روانی جامعه را به هم می‌زند. اگر این سد برداشته‌شود، ما شاهد به هم خوردن جو روانی جامعه هستیم. حتی بعضی از اغتشاشگران که دانشی در این حوزه ندارند و خودشان از بعضی از مردم عوام‌ترند، در جایگاه افراد معروف و سلبریتی به محتواهای جعلی ضریب می‌دهند و جو روانی جامعه را مسموم می‌کنند و چون تا کنون برخورد قاطعی هم ندیدند، هیچ الزامی برای توجه به قانون و حداقل‌های سواد این حوزه ندیده و صرفاً دومین دهنه‌شدن با عنوان مردمی بودن هر چیزی را نشر می‌دهند.

در پایان باید بگویم ما نیازمند به یک حکمرانی در فضای مجازی هستیم که اول مسؤول فضای مجازی مشخص شود! اینکه فضای مجازی چندین مسئول داشته‌باشد، به جای آرام کردن بیشتر فضا را متشنج می‌کنند و به جای پاسخگو کردن افراد و متخلفان راه‌های را برای راز آنها باز می‌کند.

دومین دهنه قانون باید نوشته شود. واقعا کسی به موضوع فضای مجازی اهمیت نمی‌دهد.

الان بحث هوش مصنوعی در صدر اخبار فضای مجازی و جزو پیشروترین موضوعات است. چقدر شورانی عالی فضای مجازی به این موضوع پرداخته است؟ اگر بررسی کنید کلاز زیربار این مسئولیت شانه خالی کرده و در مجموعه‌های دیگر دنبال تهیه و تحقق سند هوش مصنوعی هستند! با این مدل هیچ‌گاه

قبل درباره سلامت روان حرف می‌زند و این را نه ضعف، بلکه نشانه آگاهی می‌داند.

به گفته فردوسی، این نسل از کودکی در معرض حجم زیادی از اطلاعات، اخبار منفی و مقایسه‌های اجتماعی بوده و طبیعی است که اضطراب بیشتری را تجربه کند، اما تفاوت مهم اینجاست که نسل Z برخلاف نسل‌های قبل، اضطراب را پنهان نمی‌کند و به دنبال راه‌حل است.

روان‌شناسان معتقدند مشکل زمانی ایجاد می‌شود که خانواده‌ها با جامعه، این اضطراب را نادیده بگیرند یا آن را به «لوس بودن» و «کم‌تحملی» نسبت دهند. در چنین شرایطی، جوان احساس درک‌نشدن می‌کند و فاصله عاطفی عمیق‌تر می‌شود.

به باور متخصصان، گفت‌وگوی همدلانه و پذیرش تفاوت‌های نسلی، نقش مهمی در کاهش تنش‌های روانی دارد. نسل Z اگر احساس کند شنیده می‌شود، همکاری می‌کند، اما اگر احساس کند مدام قضاوت می‌شود، عقب‌نشینی می‌کند.

■ **شنیدن، پیش‌نیاز آینده**

پرواضح است که نسل Z نه یک بحران است و نه یک مسئله گزافا. آنها آینده جامعه هستند. با همه نگرانی‌ها، حساسیت‌ها و پرسش‌هایشان. اگر مضطربند، به این دلیل است که آینده برایشان جدی است. اگر مطالبه‌گرند، چون نمی‌خواهند فقط تماشاگر باشند. اکنون، روایت خانواده‌ها، تحلیل جامعه‌شناسان و نظر روان‌شناسان همگی به یک نقطه مشترک می‌رسد، اینکه راه مواجهه با نسل Z نه کنترل است و نه انکار، بلکه گفت‌وگو، فهم و همراهی است. مواردی که باید توسط خانواده‌ها و مسؤولان مربوطه مورد توجه قرار بگیرد و رعایت شود.

بدون شک، نسل Z نسلی آرام نیست، چراکه جهان آرامش سابق را ندارد. از سوی دیگر هم، آنها سوآلات زیادی دارند، سوآلاتی که پاسخ‌های ساده نمی‌تواند قانع‌شان کند. بنابراین دیگر زمان آن رسیده به جای پرسیدن اینکه «با این نسل چه باید کرد»، باید به‌رسم این نسل چه می‌خواهد بگوئید و ما چقدر آماده شنیدن هستیم؟!

تشکیل پرونده قضایی

برای ۱۵ چهره ورزشی و بازیگر

دادستانی تهران برای ۱۵ چهره ورزشی و بازیگر پرونده قضایی تشکیل داده‌است.

دادستانی تهران در یک اقدام عملی ضمن تشکیل پرونده علیه محرکین حوادث تروریستی اخیر در سطح کشور برای تعدادی از چهره‌ها و مجموعه‌های حامی یا محرک حوادث اخیر پرونده قضایی تشکیل داده و اموال تعدادی از متهمان را توقیف کرده‌است.

با فراخوان هجدهم و نوزدهم دی ماه ۱۴۰۴ که علاوه بر شهید شدن تعداد زیادی از مردم عادی، مدافعان امنیت و سلامت، آتش‌نشانان و نیروهای انتظامی، منجر به وارد شدن خسارات گسترده به اموال مردم و اموال عمومی شد، یکی از مطالبات مهم قوه قضائیه رسیدگی جدی به اتهام افراد و مجموعه‌هایی بود که با حمایت مستقیم و غیرمستقیم موجب‌ات این خسارات را فراهم آورده‌اند.

در همین رابطه با دستور دادستانی تهران چهره‌ها و مجموعه‌هایی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در بروز اغتشاشات و اقدامات تروریستی نقش محرک داشته‌اند، شناسایی شده‌اند و برای آنها پرونده قضایی تشکیل شده‌است. این گزارش حاکی است؛ دادستانی تهران برای ۱۵ چهره ورزشی و بازیگر پرونده قضایی تشکیل داده و علاوه بر این برای ۱۰ امضاکننده، بیانیه خانه سینما پرونده قضایی تشکیل شده‌است. بین پرونده‌های قضایی تشکیل‌شده اسم ۶۰ کافه هم به چشم می‌خورد که با فراخوان تروریستی هجدهم و نوزدهم دی ماه به صورت مستقیم و غیرمستقیم همراهی و از آن حمایت کرده‌اند، حمایت مستقیم یا غیرمستقیمی که فجاج گوناگون از جمله ترورهای هدفمند مردم عادی میان جمعیت، شهادت نیروهای مدافع امنیت و انتظامی و همچنین خسارات مادی گسترده به مردم و اموال عمومی را به‌همراه داشته‌است.

بنابر این گزارش، در پرونده‌های تشکیل شده علیه افراد و مجموعه‌ها اموال تعدادی از این چهره‌ها توقیف شده‌است، نکته مهم در این موضوع این است که در بررسی‌های اولیه قضایی، قضات به این نتیجه رسیده‌اند که مورد حمایتی بعضی متهمان از فراخوان اخیر به شکلی بوده‌است که متهم در صورتی که به محکومیت برسد باید بخشی از خسارات وارده‌شده به اموال خصوصی و عمومی را پرداخت کند و این موضوع در دستور کار قرار گرفته‌است.



شهرداری خسارت خانه‌های شخصی

و مساجد را جبران می‌کند

شهردار تهران از جبران خسارت‌های وارده به منازل شخصی و مساجد و تکایای تهران در آسوب‌های اخیر خبر داد. علیرضا زاکانی، شهردار تهران با بیان اینکه در اغتشاشات اخیر بیش از ۳۲ امکانات شهرداری آسیب دید، یادآور شد: ابنیه و وسایل و تجهیزات به آتش کشیده شد که اتفاق تلخ و نامبارکی بود. ما مسئولیتی را قبول کردیم که خسارت ۳۱ خانه شخصی را جبران کنیم. خسارت مساجد، تکایا و مغازه‌های شخصی نیز جبران می‌شود.

شهردار تهران اعلام کرد: ستاد بازسازی اموال آسیب دیده تشکیل و بازسازی آغاز شده‌است. ۱/۱ همت برای بازسازی مساجد پیش‌بینی شده‌است. در داخل شهرداری نیز ۸۰۰ میلیارد تومان خسارت به خودرونها وارد شده‌است. زاکانی با بیان اینکه در بودجه التزامی داریم که قدرالسهم هر بخش مابه‌ازای ظرفیت برای خدمات‌رسانی مورد توجه است، اظهار کرد: ۴۸ درصد بالغ بر ۱۵۰ همت برای بخش فنی و عمرانی و حمل و نقل اختصاص یافته که ظرفیت بزرگی است و مستقیماً به این بخش‌ها اختصاص می‌یابد. در حوزه مترو قرارداد چهار خط منعقد شده و واگن‌ها نیز در حال ساخت و انتقال است.

وی افزود: برای پروژه تونل متوسلیمان هزار میلیارد تومان به عنوان مقدمه در نظر گرفتیم که بر اساس پیش‌بینی سال قبل ۴۰ همت هزینه خواهد داشت. احتساب بودجه برای پروژه‌ها دقیق است و در تلاش هستیم جهش در این زمینه ادامه یابد.

پایش جنگل خواری و زمین خواری

از ارتفاع ۵۰۰ کیلومتری با ماهواره خیام

ماهواره خیام با تصاویر دقیق و پردازش هوشمند، شناسایی جنگل‌خواری و ساخت‌وساز غیرمجاز را عملیاتی کرد.

ماهواره خیام با استفاده از تصاویر با وضوح بالا و پردازش‌های پیشرفته، امکان رصد دقیقی برای شناسایی تغییرات غیرمجاز در سطح کشور را فراهم می‌کند. ماهواره خیام با استفاده از تصاویر دریافتی این ماهواره و الگوریتم‌های پیشرفته پردازش تصویر، تغییرات مشکوک و تخلفات احتمالی را به‌صورت مستمر رصد می‌کند.

براساس این گزارش، سامانه پایش مبتنی بر ماهواره خیام قادر است ساخت‌وسازهای غیرمجاز در مناطق حفاظت‌شده، جنگل‌خواری، تخریب منابع طبیعی، تجاوز به حریم راه‌ها، رودخانه‌ها و اراضی ملی را با دقت بالا شناسایی کند.

تحلیل داده‌های ماهواره‌ای این امکان را در اختیار نهادهای مسئول قرار می‌دهد تا به‌صورت هدفمند و پیش‌دستانه برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست و سیات از حریم سرزمینی اقدام کنند.

نادر مکاری، معاون طراحی و تضمین مأموریت پژوهشگاه فضایی ایران؛ با اشاره به کاربردهای محیط‌زیستی ماهواره خیام تأکید کرد: استفاده از این ماهواره در حوزه حفاظت از محیط‌زیست، گامی مؤثر در مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار به شمار می‌رود و امکان رصد دقیق و مداوم را فراهم کرده‌است تا از بروز آسیب‌های زیست‌محیطی پیشگیری شود. همچنین پژوهشگران پژوهشگاه فضایی ایران در حال توسعه الگوریتم‌های جدیدی هستند تا با بهره‌گیری از تصاویر ماهواره خیام، نوع تغییرات و علل بروز آنها را با دقت بیشتری شناسایی کنند. این رویکرد، زمینه تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر و اثربخش‌تر در مدیریت منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست را فراهم می‌کند.

ماهواره خیام با تقویت توان پایش سرزمینی و زیست‌محیطی کشور، نقش مهمی در حفاظت از محیط‌زیست ایفا و چشم‌انداز دستیابی به آینده‌ای پایدار تر را تقویت کرده‌است.